

تقدیم به شهدای گمنام که نه؛ گننام کھف الشھداء ...

سیاح



زندگینامه داستانی
شھید مدافع حرم سعید سیاح طاهری
به قلم: شیرین زارع پور

www.ketab.ir



انتشارات روایت فتح

هرگونه بهره‌برداری متنی، صوتی، تصویری و نرم‌افزاری
(شبکه‌های اجتماعی، پادکست و ...) از کل اثر مجاز نیست
(استفاده تبلیغی و ترویجی کوتاه‌بلا مانع است).

سیاح

زندگینامه داستانی شهید مدافع حرم سعید سیاح طاهری

به قلم: شیرین زارع‌پور

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

ویراستار: شکیبا زارع‌زاده اصفهانی

کارشناس محتوا: مهدیه زکی‌زاده

کارشناس نظافتی: یحیی نیازی

طراح جلد و صفحه‌آرا: فاطمه قلی‌نژاد

لینتگرافی و چاپ: گل‌رویی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۰-۶۷۷-۶

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است.

زارع‌پور، شیرین، ۱۳۵۴ -

زندگینامه داستانی شهید مدافع حرم سعید سیاح طاهری / ویراستار شکیبا زارع‌زاده اصفهانی

۱۳۸۰. تهران: انتشارات روایت فتح، ۱۴۰۲. ۲۲۰ ص.

ISBN: 978-600-330-677-6

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. زندگینامه داستانی شهید مدافع حرم سعید سیاح طاهری.

۲. سعید سیاح طاهری ۱۳۳۶-۱۳۹۴

۳. Persian fiction -- 20th century. ۴

رده بندی کنگره: PIR۳۵۴

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۰۱۶۵۳

اطلاعات رگورد کتابشناسی: فیبا

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قسری، شماره ۱۶

فهرست

۷.....	مطلع کتاب
۹.....	مقدمه
۱۳.....	کودکی سعید
۲۵.....	عطریت سودان
۳۱.....	رازرساله
۴۹.....	مغزمتفکر
۶۱.....	خوزستان دستخوش آشوب
۶۷.....	اولین روزهای مقاومت
۹۱.....	تلخی ها و شیرینی های جنگ
۱۰۳.....	هدیه من
۱۱۵.....	مدرسه ادب
۱۲۵.....	عکس یادگاری
۱۳۵.....	هم محمد، هم حسین
۱۴۳.....	دوستی های به یاد ماندنی

۱۵۳	نبرد اول فاو
۱۶۳	ازملی راه تا میدان طیب
۱۷۹	میعادگاه اول
۲۰۱	برای من می مانی
۲۱۷	چشم شیشه ای
۲۴۷	سفر لبنان
۲۶۷	اگر نیتت خدمت است، بمان!
۲۸۷	جشنواره های ماندگار
۳۰۷	بازسازی گردان مقداد
۳۳۷	روایتگری در بهشت
۳۴۵	ماجرای زندان دورود
۳۵۵	قصه حبیب، کشتی دوستی
۳۶۱	نوبت مجنون گذشت
۳۷۷	نوبت لیلی رسید
۴۰۳	ماه فوج سیدالشهداء
۴۰۷	بدرقه تاب بهشت
۴۲۵	آلبوم تصاویر

مطلع کتاب

زمانه عجب افسونگری است. گاهی آهنگ ترنم بی مثالش نجواگونه به گوشت می‌رسد و گاهی توراها را آسمان خالی، رقصان رها می‌کند. آن وقت همه گذرگاه‌های زندگی مثل برگ بریزان توراها به بازی می‌گیرند. می‌روی پشت شیشه باران خورده، پرنده‌ها برایت چه‌چیز می‌دهند و قطرات شب‌نم می‌چکد روی صورتت. ته دلت قرار است اتفاقی بیفتد. نسیم لرزان به کمکت می‌آید و نغمه دل‌تنگی‌ات را به گوش زمانه افسونگری رساند. باز از کوجه پس کوجه‌ها می‌گذری، همه ترست ته نشین می‌شود از ماندن و نرفتن. یاد آن روز می‌افتی. سه روز از بیستم دی گذشته است. دلت قرص می‌شود. سال هاست به انتظارش نشسته‌ای. «فمنهم من قضی نجه» را بارها در سکوت خوانده‌ای. مگر می‌شود وعده‌اش راست نباشد؟ تو که همه عمر پای عهده‌ایستادی، نایستادی؟ زمانه رفت، صبر نکرد، اما تونه جا ماندی، نه جامی مانی! بارها با چشمانی خیس از اشک، دلواپسی‌هایت را مرور کردی. چه شب‌ها که اختیار پلک‌هایت را هم نداشتی. باز خواندی؛

«فمنهم من قضی نجه» که آرامت کند به وعده اش. ابرها پشت هم آمدند. به صدايت غصه پاشيدند، باز خواندی؛ «فمنهم من قضی نجه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا».

www.ketab.ir

زمانی که رفتیم مشهد، باردار بودم. سعید را از امام رضا علیه السلام خواستم. گفتم دلم می خواهد این بچه پسر باشد. یک پسر مؤمن و متدین. امام رضا علیه السلام به من جواب داد و حاج سعید به دنیا آمد. ایام عید بود که به دنیا آمد. اطرافیان گفتند چون عید سعید است، اسمش را سعید بگذاریم. سعید بچه خوبی بود، ولی شور و هیجانش از بقیه بچه ها بیشتر بود.^۱

۱. مادر شهید سیاح طاهری.

مقدمه

از روزی که یادم می‌آید، وقتی از کسی می‌شنیدم امروز اتفاقی، این اتفاق افتاد! توی ذهنم می‌آمد که «هیچ چیزی در عالم اتفاقی نیست.»

اتفاقی نیست؛ یعنی همه چیز حساب و کتاب دارد. حساب و کتاب دارد؛ یعنی خدای متعال مدبر عالم است و آن به آن و لحظه به لحظه عالم را تدبیر می‌کند. با این باور دیگر لازم نیست دنبال جواب بگردی برای خیلی از سؤال‌هایت. آشنایی‌ام با حاج سعید از این دسته سؤال و جواب‌هاست.

حاج سعید رانمی‌شناختم و تنها اسمی از او شنیده بودم. سال ۱۳۹۹ وقتی پیشنهاد نگارش کتاب از طرف خانم زکی زاده مطرح شد، مثل هر کتاب دیگری، مختصری تعریف شنیدم که برای آشنایی اولیه کافی بود. تماس که به اتمام رسید، همان لحظه گوشی را برداشتم و روی نوار جست‌وجو نوشتم: «شهید سعید سیاح طاهری». قبل از خواندن هر مطلبی، عکس‌ها را دیدم. حاج سعید با موهای سپید و لباس مقدس سپاه، برایم حکم یک فرمانده باتجربه را پیدا کرد. حاج سعید را کنار دانش‌آموزان مثل یک پدر

دلسوز و مهربان دیدم. حاج سعید را کنار موشک، یک متخصص جنگی دیدم و حاج سعید در لباس مدافع حرم را...

همان روزهای اول، تایم لاینی از طریق محمدحسین سیاح طاهری در اختیارم قرار گرفت که کار را آسان ترمی کرد. براساس آن، کار تحقیق و مصاحبه را آغاز کردم. لازم بود کتاب شرط عاشقی را که پیش از آن به قلم خانم غبیشی و از زبان همسر محترم شهید به چاپ رسیده بود، بخوانم. شنیده بودم مجموعه‌های متفاوتی برای نوشتن یک کتاب از خاطرات حاج سعید اقدام کرده‌اند، ولی هنوز کتابی به مرحله نگارش نرسیده است. پیشتر تعدادی مصاحبه از طریق دوستان روایت فتح گرفته شده بود که با خواندن آن‌ها متوجه شدم باید برای تکمیل شان قدم بردارم. هرچه در گرفتن مصاحبه‌ها پیش می‌رفتم، بیشتر به ابعاد شخصیت حاج سعید پی می‌بردم، ولی بیشتر از همه اخلاص و عجب از او بود که دلم را برده بود و به فکر وادارم می‌کرد. برای رسیدن به این مطلب باید کتاب را خواند.

کار نگارش و تحقیق حدود یک سال منسجم طول کشید و باید بگویم کتاب حاضر با حدود صد مصاحبه از شصت و پنج نفر نگارش شده است. متأسفانه تعدادی از دوستان هنرمند با وجود اینکه می‌گفتند علاقه زیادی به شهید طاهری دارند و کارها و سفرهای زیادی را در کنار این مرد بزرگ تجربه کرده‌اند، حاضر به همکاری نشدند. برخی دیگر هم شکسته و بسته به چند جمله بابتی حوصلگی بسنده کردند. با این همه سعی کردم از هر مقطعی، خاطرات مربوط به آن دوره را ضبط و ثبت کنم. همین جا بر خود لازم می‌دانم از آقای کاظم فرامرزی برای در اختیار گذاشتن فایل‌های مصاحبه

حاج سعید که در سال ۱۳۹۳ ضبط شده بود، تشکر کنم. این مصاحبه ها که در بخش هایی از کتاب با ارجاع پاورقی موجود است، کمک زیادی به غنای کتاب کرد، ضمن اینکه از زبان خود شهید نقل شده و ارزش قابل توجهی دارند. کتاب حاج سعید بیست و هشت فصل دارد. از کودکی شروع می شود و تا انعکاس احساس های عاشقانه بعد از شهادت ادامه دارد. در ادامه از همه راویان و همین طور از مجموعه انتشارات روایت فتح و خانم ها مردی و زکی زاده برای سپردن این کار ارزشمند به بنده کمال تشکر را دارم.

شیرین زارع پور